خلازیر؛ شهر آهن‌پاره‌ها

شرق: خلازیر را در گذشته با شیطان بازارش می‌شناختیم و این روزها با تخریب ساختمان‌هایی که پنج قوتی به جا گذاشت. به بناء می‌آوریم قانون‌گریزان کفربوشی را که در عملیات تخریب می‌خواهند روند تخریب را متوقف کنند. به نظر می‌آید تا نداییم چگونه خلازیر شکل گرفته، توانیم به‌درستی به نتیجه نرسیدن برخی اصلاحات اجتماعی و شهری را در این معلمه درک کنیم. سال ۹۸ پژوهشی در شهرداری تهران درباره تاریخچه شکل‌گیری خلازیر انجام شده که با روند تبدیل این محله به یک نقطه ناامن شهری را تشریح می‌کند. محمدحسین شریفی‌ساعی، مجری این پژوهش، به آسیب‌های فراگیر این محله پرداخته است. در زمان تهیه این پژوهش هنوز شیطان بازار معروف این محله فعالیت می‌کرد که در سال ۱۴۰۰ شهرداری برای همیشه شیطان بازار را تعطیل کرد. در این پژوهش آمده است: در سال‌های اخیر، به‌تدریج محله‌ای عجیب در کنار نعمت‌آباد سر برآورده و گسترش یافته است؛ محله‌ای که نمی‌توان گذر از آن را به هرکسی توصیه کرد؛ محله‌ای جسیده به نعمت‌آباد و در منطقه ۱۹ شهرداری تهران وجود دارد که از لحاظ ساختار اجتماعی و اقتصادی بسیار ویژه است؛ تافته‌ای جدابافته که به‌سختی می‌توان آن را جزء بافتِ نامید. اینجا محله «خلازیر» یا «خلازیل» است که این روزها نام آن به خیابان سهیل یا محله شهید کاظمی تغییر یافته است. خلازیر محله‌ای است که در منطقه ۱۹ (جنوب پایتخت) قرار دارد. این محله بزرگ‌ترین مرکز خرید و فروش لوازم دست دوم در تهران است. خلازیر در یک کلام، شهر آهن‌پاره‌هاست؛ با خانوارهایی کمتر از چند هزار نفر که با کمترین امکانات رفاهی، بدون پارک و فضای سبز مناسب در شرکار بیش از صدها کارگاه و کارگاه بزرگ ضایعات‌فروشی با تمام سروصداها و آلودگی‌هایشان در حال زندگی هستند. خلازیر برای خود یک شهر است. اما شهر آهن‌پاره‌ها. خلازیر، محل اصلی اوراق‌کردن و اسقاط وسایل دست دوم و همچنین محل اوراق وسایل سرقتی در تهران و بازار اصلی ضایعات‌فروشی و پر از کارگاه‌های اوراقچی‌هاست؛ جایی که خریداران آهن‌های کهنه خانه‌ها از همه جای تهران، مقصدشان اینجا شده است. همچنین در محله خلازیر و محلات مجاور آن بیش از ۱۳۰ کوره آجرپزی وجود دارد که همگی خاموش است. اما در کنار آنها زمینه‌ای مناسب فراهم شده است که زندگی حاشیه‌نشینان شهری و حتی معتادان متجاهر و دوره‌گرد را ایجاد کرده است. معتادانی که دائما با لوازم سرقتی به اینجا می‌روند تا با فروش آنها، مواد بعدی خود را فراهم کنند. چشم‌انداز این منطقه را به‌کلی دگرگون کرده است به نحوی که روزبه‌روز بر معتادانی که در این محله به فروش اشتغال دارند، افزوده می‌شود.

البته بخش زیادی از ضایعات‌فروشی‌ها در این منطقه کارشان قانونی است و سال‌هاست ضایعات سازمان‌ها، ادارات و حتی بیمارستان‌ها را با شرکت در مزایده‌ها می‌خرند و اینجا پس از بازیافت، قسمت‌های مصلح آنها را انبار می‌کنند تا شاید برای‌شان مشتری دست به نقدی پیدا شود. این دسته با بازیافت مواد، به اقتصاد شهر کمک می‌کنند، اما این همه ماجرا نیست؛ چراکه در کنار این دادوستد قانونی در لایه‌های پنهان، مشاغل مجرمانه نیز در این محله به‌شدت فعال است. خلازیر، محل خرید و فروش بسیاری از لوازم سرقتی در تهران است. به‌همین‌دلیل به دست‌فروشان اینجا «شیطان بازار» می‌گویند؛ اما مسائل خلازیر به همین‌جا نیز ختم نمی‌شود؛ پای دیگر این مسئله هزاربای را باید در سطح آلودگی‌های بالا در این محله جست‌وجو کرد. ساکنان خلازیر، هر روز با سروصدا، دود و آلودگی از خواب بلند می‌شوند و تا شب که به خواب بروند، دودهای غلیظ میهمان کلوی آنهاست. اغلب این آلودگی‌ها به دلیل آتش‌سوزی‌های است که سارقان سیم ایجاد می‌کنند؛ سارقانی که سیم‌های مخابراتی را ربوده و در این محله می‌سوزانند تا دود آن را بفروشند. این آتش‌سوزی‌های عمدی باعث می‌شود که در آسمان این محله، دود غلیظ و سیاه‌رنگی منتشر و باعث تقریبا آلودگی هوای کل منطقه شود. به‌همین‌دلیل آلودگی‌های محیطی در خلازیر بسیار بالاست. تفکیک و بازیافت غیراصولی این پسماندها مانند سوزاندن کابل برق، اوراق خودروهای سرقتی و برخی از کارهای غیرقانونی علاوه بر آلودگی‌های صوتی، زمینه آلودگی‌های زیست‌محیطی را نیز در این محله فراهم کرده است. خلازیر، بهشت اوراقچی‌ها و شاید عده‌ای مالخر اجتماعی دزدیده‌شده از سطح تهران است. از طرفی، اینجا را به محله بازارش نیز می‌شناسند که به آن «شیطان بازار» می‌گویند. البته شیطان بازاری از نوع اجناس کهنه‌اش؛ همان اجناسی که کاه از اوراق‌ها به دست آمده‌اند. برخی کاسب‌های جمعه بازار فقط جمعه‌ها به خلازیر نمی‌آیند. آنها از روزهای تقریبا در بسیاری از روزها در پشت کارگاه‌های ضایعات‌فروشی پیدا کرد. همان‌هایی که حتی با نگاه کودکانه هم می‌توان فهمید ریکی به کفش دارند و جنس‌شان جور نیست. تازه اینها به غیر از معتادانی است که هر روز با کوبی از لوازم دست دوم در دست به این مکان می‌آیند تا مشتری‌های خوبی برای کالاهای باد‌آورده و گاه سرقتی خود بیابند. اینها همه سبب شده که احساس ناامنی در بین ساکنان این منطقه افزایش یابد. بافت‌های فرسوده و قدیمی در این منطقه منجر به گسترش زمینه‌های فساد و ناامنی شده است که موجب نارضایتی اهالی شده است. دراین‌میان، به نظر می‌رسد که نوسازی بافت‌های فرسوده و عمران شهری در این محله، امری حیاتی است. این محله مسکونی و تجاری در کنار زمان به مرکز فعالیت واحدهای غیرمجاز اوراقچیان تبدیل شده و گویی هیچ مصلح صحیحی برای زندگی شهرنشینی در آن وجود ندارد. امروز خلازیر دیگر محله مسکونی نیست؛ به عبارتی دیگر مناسب زندگی نیست؛ هرچند که ساکنان بسیاری در کنار خود دارد؛ با این‌همه بافت مسکونی خلازیر، در بافت تجاری آن نابدید شده است و هرگاه نامی از این محله برده می‌شود، همه به یاد کارگاه‌های بزرگ و مغازه‌های دست دوم فروشی و شیطان بازارش می‌افتند. در محله خلازیر، بیش از هزارو ۵۰۰ واحد صنفی اغلب کارگاه‌های ضایعات وجود دارد که برخی از آنها به صورت غیرمجاز و غیرقانونی فعالیت می‌کنند. وجود این اصناف و تردد خودروهای سنگین و همچنین حضور افراد معتاد و آزادل و اوباش زندگی را برای ساکنان این محله سخت و دشوار کرده است. وضع امروز خلازیر یک تهدید جدی برای بایتخت است. هرچند می‌توان آن را مهار کرد. تجمع معتادان متجاهر در این محله برای خرید و فروش مواد، آلودگی‌های محیطی و یافتن بازاری برای فروش کالاهای سرقتی از سوی مالخرها اوضاع این محله را روزبه‌روز پیچیده‌تر کرده است. اگر هرچه سریع‌تر این شرایط ساماندهی نشود، تهدید کنونی خلازیر به معضل بزرگ پایتخت تبدیل خواهد شد. در بخش دیگری از این پژوهش به موقوفه‌بودن زمین‌های آن اشاره شده و آمده است: این زمین‌ها از زمان قاجار وقف شده. در گذشته زمین‌های این محله از طرف قوام‌السلطنه که از رجال دوره قاجاریه بوده، وقف حوزه و مدرسه علمیه مروی شده که اکنون به موقوفه مروی معروف است و عایدات زمین‌های خلازیر باید به آن مدرسه برود. تولیت موقوفه خلازیر، سال‌ها با مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی بوده که رئیس مدرسه مروی نیز بوده‌اند؛ اما اکنون زمین‌های موقوفه زیادی در این منطقه است که با کاربری کشاورزی بوده‌اند.

امروز تفکیک شده و اغلب به طور غیرقانونی به تصرف واحدهای ضایعاتی و مسکونی درآمده است و حال، صاحبان این کارگاه‌ها و واحدهای مسکونی پیرامون آن به دلیل نداشتن سند قانونی اغلب به صورت قول‌نامه‌ای و دستی، اقدام به نقل و انتقال و اجاره این واحدها می‌کنند. هر سال کارگاه‌ها و ساکنان خانه‌های فرسوده این محله باید هزینه‌ای را بابت زمین وقفی خود به سازمان اوقاف بپردازند که البته اکنون بسیاری از آنها نمی‌پردازند. مردم اینجا فقط مالک ظاهری ملک‌های خود هستند. خانه‌های اینجا اگر هم سندی داشته باشند، فقط سند اعیانی دارند. به عبارتی، آنهایی هم که سند گرفته‌اند، سند اوقافی دارند و نه سند عادی و مرسوم. در این مطالعات به اقتصاد غیررسمی شکل‌گرفته در این محله هم اشاره شده و آمده است: اقتصاد غالب در خلازیر اقتصاد بازیافت ضایعات است که در صدها کار از بزرگ و کوچک این منطقه انجام می‌گیرد. ضایعات‌فروشی‌های خلازیر از سه بخش خلازیر شمالی، خلازیر میانی و خلازیر جنوبی تشکیل شده است که قسمت‌های مختلف خیابان سهیل را به خود اختصاص داده است. خلازیر شمالی که تا حد زیادی مورد ساماندهی شهری قرار گرفته است در محدوده محله نعمت‌آباد قرار دارد و شامل خیابان سهیل از محدوده بزرگراه آیت‌الله سعیدی تا بلوار شکوفه را شامل می‌شود. خلازیر میانی، شامل خیابان سهیل حد فاصل بلوار شکوفه تا بلوار شقایق را در بر می‌گیرد و در نهایت، خلازیر جنوبی شامل خیابان سهیل از بلوار شقایق تا بزرگراه آزادگان را به خود اختصاص داده است. خلازیر میانی و جنوبی، در محدوده محله شهید کاظمی قرار دارد. بخش سوم خلازیر جنوبی درون پارک ۱۸۰ هکتاری ایرانیان واقع شده است و به نظر می‌رسد که برنامه‌ای جز «جابه‌جایی» از سوی شهرداری و اسناد بالادستی برای آن در نظر گرفته نشده است. در بخش دیگری از تحقیقات به تغییر کاربری زمین‌های این محله پرداخته شده و آمده در طول زمان خلازیر منطقه‌ای با حدود ۲۰۰ هکتار وسعت در جنوب غربی برزگراه آزادگان در جنوب بایتخت که موقوفی است تا دو دهه پیش، حجم وسیعی از آن در کشت سبزیجات و صیفی‌جات با آب‌های آلوده به کار گرفته می‌شد هرچند هنوز هم کشاورزی در آنجا به طور بسیار محدودی وجود دارد اما اکنون خلازیر، جان توسط کارگاه‌های ضایعات و انبارهای زباله‌ها و پسماندها تصرف شده که اگر از اسمان به آن بنگریم، شاید آن را با شهرکی تازه راه‌اندازی شده اشتباه بگیریم. چند سالی است که خیابان خلازیر، نام جدید هم یافته و به خیابان سهیل تغییر نام داده است و محله خلازیر نیز به محله شهید کاظمی تغییر نام داده است ولی با این همه همچنان به همان نام قدیم خود خلازیل شناخته می‌شود که به معنای محل جمع‌شدن آب‌های کثیف و گنداب‌هاست: گنداب‌هایی که تا چند سال پیش برای کشت سبزیجات و صیفی‌جات مصرفی پایتخت از آن استفاده می‌شد ولی حالا کمتر اتوی از آنها مانده است؛ چراکه مسئولان در این منطقه، تصفیه‌خانه دایر کرده و گنداب‌های تصفیه‌نشده شهر را هم راهی جای دیگری در جنوب پایتخت می‌کنند. کاربری محله خلازیل، به طور قانونی، کشاورزی بوده است اما به‌تدریج توسط کارگاه‌های ضایعاتی، غیرقانونی، تغییر کاربری یافته است. نیم‌نگاهی به تصاویر هوایی از این منطقه در چند سال پیش و قیاس آن با تصاویر امروز منطقه نشان می‌دهد که بازار ضایعات خلازیل در دو دهه اخیر، به طور قابل توجهی رشد و گسترش یافته است. اکنون مدتی است حای زمین‌های کشاورزی خلازیر را کارگاه‌ها و چاردیواری‌های گرفته است که در برخی از آنها کسب‌وکارهای کوچک چون دودکوری، آهنگری و امثال آنها نیز جریان دارد. در بعضی دیگر انبار ضایعات فلزات، حلبی‌جات ضایعات، مقوا، نان خشک و انواع ضایعات دیگر انبار می‌شوند و در شماری از آنها هم مدت‌ها در حال زندگی هستند؛ برخی به طور مجردی که معمولا در دست کارگران مهاجر یا معتادان متجاهر است و برخی دیگر نیز به همراه خانواده زندگی می‌کنند. در حال حاضر، زمین‌های کشاورزی و سبزی‌کاری در این محله دائما در حال کوچک‌ترشدن و تغییر کاربری دادن است؛ این فرایندی بی‌انتهاست در محله‌ای که ضایعات، حرف اول اقتصاد آن را می‌زند. به نظر می‌رسد که روند تغییرات کاربری غیرقانونی، به طور آرام و خاموش، همچنان ادامه دارد. یکی دیگر از آسیب‌های خلازیر، ظهور حاشیه‌نشینی در این منطقه است که منشا انواع آسیب‌ها شده است. در بخش دیگری از این تحقیقات از جمله ویژگی‌های عمومی خلازیر وجود ساختمان‌های فاقد نماسازی معابر با پوشش نامناسب است. بافت‌های پژوهش نشان داد که اکثر ضایعات‌چی‌ها در خلازیر، اقدام به دیوکردن ضایعات جمع‌آوری‌شده از کل تهران می‌کنند و سپس به کارخانه‌های ذوب آهن در شهرهای مختلف می‌فروشند. بازیافت ضایعات منشا انواع آلودگی‌ها در این منطقه شده است. اما نکته مهم دیگر آن است که برای ساخت‌وساز در این منطقه بزرگ در محدوده منطقه ۱۹ تهران تقریبا هیچ مجوزی صادر نشده و به دلیل وقفی‌بودن زمین‌ها، باید خلازیر، خالی از هرگونه ساخت‌وساز و سکونت شود ولی ساخت‌وسازهای غیرقانونی در دو دهه اخیر، عامل اصلی ظهور خلازیر با این وضعیت در حاشیه تهران بوده است. جالب اینجاست که در سال‌های اخیر، طرح تبدیل خلازیر به پارک بزرگ ۱۸۰ هکتاری در نهادهای بالادستی به تصویب رسیده؛ اما هنوز که هنوز است این محله انبار ضایعات و زباله‌های دستچین‌شده از تهران است؛ نه از بوستانی بزرگ در این منطقه خبری است و نه حتی زمینی که به این منظور در نظر گرفته شده است الان به همان میزان وجود دارد؛ چراکه انبارهای ضایعات به تدریج در حال گسترش به مناطق اطراف خود است و از این طریق زمین‌های بیرامون خود را می‌بلعد. یافته‌های پژوهش نشان داد که خلازیر حداقل از این آسیب‌ها رنج می‌برد؛ «بازیافت غیراصولی»، «حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی آلودگی‌های زیست‌محیطی»، «آلودگی‌های بصری»، «آلودگی‌های صوتی»، «اقتصاد غیررسمی»، «قانون‌گریزی»، «اعتیاد و قاچاق مواد مخدر»، «شکل‌گیری آنومیا توسعه ناموزون شهری»، «فضای بی‌دفاع شهری» و «وجود فرصت‌های جرم در منطقه». در بخش دیگری از مطالعات آمده است به دلیل وجود اسکان غیررسمی در این منطقه و ساخت‌وسازهای غیرقانونی بسیار در این محدوده شهرداری برد می‌گرفت. فروریزش ساختمان پنجم در کوچه گل‌ها در خلازیر، علاوه بر صربه دومینویی ساختمان ۴ به آن، به دلیل ضعف بنا و نیز احتمالا بی‌توجهی تعدادی از سوتون‌ها با استفاده از مواد ترمیت یا سایر روش‌ها بوده است.

در نتیجه‌گیری این گزارش آمده است که مهم‌ترین و دررحال ساده‌ترین اقدام در تخریب ساختمان‌های خلازیر، تخلیه کامل محدوده از عوامل انسانی بود. جان‌باختن چهار نفر در این حادثه می‌تواند نشانی از سهل‌انگاری بوده که ضرورت دارد جنبه‌های آن به‌عنوان درس‌های حادثه خلازیر، در اقدامات آتی همواره مدنظر قرار گیرد. وقتی روش تخریب کشنی است، انتظار واژگونی ساختمان و ضربه به ساختمان‌های مجاور بدیهی است؛ بنابراین در تخریب ناحیه‌ای و بدون فضای کافی اطراف ساختمان‌های در دست تخریب به روش کشنی، تخلیه کامل محدوده کاری امری است ابتدایی و بسیار ضروری که ضرورت دارد درباره چرایی تخلیه‌نشدن کوچه گل‌ها در منطقه خلازیر رسیدگی دقیقی به عمل آید.

همچنین در آن گزارش تاکید شده برای حذف تعدادی از ستون‌های ساختمان شماره ۴ از مواد ترمیت استفاده شده است.

علی بیت‌الهی درباره این گزارش و ویژگی‌های زمین خلازیر و ساخت‌وسازها هم توضیح داده است: این محدوده خلازیر در یک زون جنوبی تهران با ساختگاه و شرایط خاک نرم که محل جریان آب قنوات شهر تهران بوده و بیش‌تر در آمار سال ۱۳۸۵ یک روستا بوده و هنوز به منطقه ۱۹ محله محسوب می‌شود که در مواقع زلزله هم بررسیک هستند. این ناحیه در منطقه ۱۲ درست در پهنه فرونشستی زمین با نرخ بالای ۱۰ سانتی‌متری در سال قرار می‌گیرد؛ بنابراین منطقه به طور بالقوه پرخطر است. باید توجه داشت که از مجاورت جنوبی این ناحیه، گسل شمال ری شناخته می‌شود که به معنای محل جمع‌شدن آب‌های کثیف و گنداب‌هاست. گنداب‌هایی که تا چند سال پیش برای کشت سبزیجات و صیفی‌جات مصرفی پایتخت از آن استفاده می‌شد ولی حالا کمتر اتوی از آنها مانده است؛ چراکه مسئولان در این منطقه، تصفیه‌خانه دایر کرده و گنداب‌های تصفیه‌نشده شهر را هم راهی جای دیگری در جنوب پایتخت می‌کنند. کاربری محله خلازیل، به طور قانونی، کشاورزی بوده است اما به‌تدریج توسط کارگاه‌های ضایعاتی، غیرقانونی، تغییر کاربری یافته است. نیم‌نگاهی به تصاویر هوایی از این منطقه در چند سال پیش و قیاس آن با تصاویر امروز منطقه نشان می‌دهد که بازار ضایعات خلازیل در دو دهه اخیر، به طور قابل توجهی رشد و گسترش یافته است. اکنون مدتی است حای زمین‌های کشاورزی خلازیر را کارگاه‌ها و چاردیواری‌های گرفته است که در برخی از آنها کسب‌وکارهای کوچک چون دودکوری، آهنگری و امثال آنها نیز جریان دارد. در بعضی دیگر انبار ضایعات فلزات، حلبی‌جات ضایعات، مقوا، نان خشک و انواع ضایعات دیگر انبار می‌شوند و در شماری از آنها هم مدت‌ها در حال زندگی هستند؛ برخی به طور مجردی که معمولا در دست کارگران مهاجر یا معتادان متجاهر است و برخی دیگر نیز به همراه خانواده زندگی می‌کنند. در حال حاضر، زمین‌های کشاورزی و سبزی‌کاری در این محله دائما در حال کوچک‌ترشدن و تغییر کاربری دادن است؛ این فرایندی بی‌انتهاست در محله‌ای که ضایعات، حرف اول اقتصاد آن را می‌زند. به نظر می‌رسد که روند تغییرات کاربری غیرقانونی، به طور آرام و خاموش، همچنان ادامه دارد. یکی دیگر از آسیب‌های خلازیر، ظهور حاشیه‌نشینی در این منطقه است که منشا انواع آسیب‌ها شده است. در بخش دیگری از این تحقیقات از جمله ویژگی‌های عمومی خلازیر وجود ساختمان‌های فاقد نماسازی معابر با پوشش نامناسب است. بافت‌های پژوهش نشان داد که اکثر ضایعات‌چی‌ها در خلازیر، اقدام به دیوکردن ضایعات جمع‌آوری‌شده از کل تهران می‌کنند و سپس به کارخانه‌های ذوب آهن در شهرهای مختلف می‌فروشند. بازیافت ضایعات منشا انواع آلودگی‌ها در این منطقه شده است. اما نکته مهم دیگر آن است که برای ساخت‌وساز در این منطقه بزرگ در محدوده منطقه ۱۹ تهران تقریبا هیچ مجوزی صادر نشده و به دلیل وقفی‌بودن زمین‌ها، باید خلازیر، خالی از هرگونه ساخت‌وساز و سکونت شود ولی ساخت‌وسازهای غیرقانونی در دو دهه اخیر، عامل اصلی ظهور خلازیر با این وضعیت در حاشیه تهران بوده است. جالب اینجاست که در سال‌های اخیر، طرح تبدیل خلازیر به پارک بزرگ ۱۸۰ هکتاری در نهادهای بالادستی به تصویب رسیده؛ اما هنوز که هنوز است این محله انبار ضایعات و زباله‌های دستچین‌شده از تهران است؛ نه از بوستانی بزرگ در این منطقه خبری است و نه حتی زمینی که به این منظور در نظر گرفته شده است الان به همان میزان وجود دارد؛ چراکه انبارهای ضایعات به تدریج در حال گسترش به مناطق اطراف خود است و از این طریق زمین‌های بیرامون خود را می‌بلعد. یافته‌های پژوهش نشان داد که خلازیر حداقل از این آسیب‌ها رنج می‌برد؛ «بازیافت غیراصولی»، «حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی آلودگی‌های زیست‌محیطی»، «آلودگی‌های بصری»، «آلودگی‌های صوتی»، «اقتصاد غیررسمی»، «قانون‌گریزی»، «اعتیاد و قاچاق مواد مخدر»، «شکل‌گیری آنومیا توسعه ناموزون شهری»، «فضای بی‌دفاع شهری» و «وجود فرصت‌های جرم در منطقه». در بخش دیگری از مطالعات آمده است به دلیل وجود اسکان غیررسمی در این منطقه و ساخت‌وسازهای غیرقانونی بسیار در این محدوده شهرداری برد می‌گرفت. فروریزش ساختمان پنجم در کوچه گل‌ها در خلازیر، علاوه بر صربه دومینویی ساختمان ۴ به آن، به دلیل ضعف بنا و نیز احتمالا بی‌توجهی تعدادی از ستون‌ها با استفاده از مواد ترمیت یا سایر روش‌ها بوده است.

در نتیجه‌گیری این گزارش آمده است که مهم‌ترین و دررحال ساده‌ترین اقدام در تخریب ساختمان‌های خلازیر، تخلیه کامل محدوده از عوامل انسانی بود. جان‌باختن چهار نفر در این حادثه می‌تواند نشانی از سهل‌انگاری بوده که ضرورت دارد جنبه‌های آن به‌عنوان درس‌های حادثه خلازیر، در اقدامات آتی همواره مدنظر قرار گیرد. وقتی روش تخریب کشنی است، انتظار واژگونی ساختمان و ضربه به ساختمان‌های مجاور بدیهی است؛ بنابراین در تخریب ناحیه‌ای و بدون فضای کافی اطراف ساختمان‌های در دست تخریب به روش کشنی، تخلیه کامل محدوده کاری امری است ابتدایی و بسیار ضروری که ضرورت دارد درباره چرایی تخلیه‌نشدن کوچه گل‌ها در منطقه خلازیر رسیدگی دقیقی به عمل آید.

همچنین در آن گزارش تاکید شده برای حذف تعدادی از ستون‌های ساختمان شماره ۴ از مواد ترمیت استفاده شده است.

علی بیت‌الهی درباره این گزارش و ویژگی‌های زمین خلازیر و ساخت‌وسازها هم توضیح داده است: این محدوده خلازیر در یک زون جنوبی تهران با ساختگاه و شرایط خاک نرم که محل جریان آب قنوات شهر تهران بوده و بیش‌تر در آمار سال ۱۳۸۵ یک روستا بوده و هنوز به منطقه ۱۹ محله محسوب می‌شود که در مواقع زلزله هم بررسیک هستند. این ناحیه در منطقه ۱۲ درست در پهنه فرونشستی زمین با نرخ بالای ۱۰ سانتی‌متری در سال قرار می‌گیرد؛ بنابراین منطقه به طور بالقوه پرخطر است. باید توجه داشت که از مجاورت جنوبی این ناحیه، گسل شمال ری

عکس: فرامرز عباسی

عکس: مهدی قربانی‌زاده

عکس: آتیلا خسب‌آرا

عکس: فرامرز عباسی

عکس: آتیلا خسب‌آرا

موافقان و مخالفان علمی‌بودن روش تخریب ساختمان‌های غیرمجاز خلازیر چه می‌گویند

حادثه خلازیر در چند روایت

گرد و غبارهای تخریب‌ها در خلازیر خوابیده و تصویر شفاف‌تری از حادثه ظهر روز ۱۵ مرداد ماه که صدای مهیبی شهرک احمدیه را لرزاند وجود دارد. حادثه‌ای که درآن پنج نفر جان خود را از دست دادند. در همان ناحیه‌ای که مدتی پیش مشخص شد شهردار فساد‌ستیزش دست به خودزنی زده. خاطره‌ای که ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، در صحن علنی شورا آن را یادآوری کرد؛ او گفت: سال گذشته شهردار همین ناحیه، نمایشی به اجرا گذاشت و ادعا کرد قمه خورده و مورد تعرض مافیای ساخت‌وساز قرار گرفته و رسانه‌ای شد و تلویزیون نشان داد و مطبوعات منعکس کردند و بعدا معلوم شد واقعیت نداشته و مسئله کاملا مسکوت ماند و شهردار هیچ توضیحی نه به ما و نه به افکار عمومی نداد که این حادثه چه بود؟! پس از یک سال از آن حادثه، مواجه شدیم با حادثه‌ای دیگر. به گفته امانی قرار بوده ساعت ۱۲:۴۰ سیم بکسل به وسیله دستگاه کشیده شود و همه خیردار بودند و با بلندگو هشدار داده بودند که همه از آن محدوده خارج شوند و قرار است راس ساعت ۱۲:۴۰ با سیم بکسل از بیرون فشار بیاورند و ستون‌های ساختمان را فرو بریزند. معلوم است اعلام نشده بوده؛ چون همه در صحنه غافلگیر می‌شوند و فیلمش هست. پس افراد توجیه نشده بودند و نمی‌دانستند قرار است ساعت ۱۲:۴۰ در آنجا تخریب انجام شود. این چه نوع سازمان‌دهی است؟! چهار دهه است که از مهندسی تخریب در جهان استفاده می‌شود و بزرگ‌ترین برج‌های دنیا که سنگین‌ترین سازه‌ها هستند. تمیز تخریب می‌شوند و از دماغ کسی خون نمی‌آید و کوچک‌ترین آسیبی به ساختمان‌های مجاور وارد نمی‌شود. چطور این تکنولوژی جدید و مدرن را کنار می‌گذاریم و ساختمانی را که با فاصله چند متر آن چند ساختمان که با یک باد کوچک تخریب می‌شود، می‌خواهند با سیم بکسل تخریب کنند؟! علی اصغر قائمی هم در این جمله گفت؛ روش تخریب به‌کاررفته مصداق بارز ضعف مدیریت بحران است. این چه نوع سازمان‌دهی باشد. بعد از سخنان اعضای شورای شهر قرار می‌شود کمیته‌ای فنی ابعاد این حادثه را بررسی کند. اینکه آیا روش تخریب اصولی بوده یا خیر؟

تخریب در خلازیر اصولی بود؟

ترمیت یا ترمایت، روشی است که برای تخریب ساختمان‌ها استفاده شده بود. علی بیت‌الهی، رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی، نقدهایی به این روش دارد. او گفته است: «اصلی‌ترین سهل‌انگاری صورت‌گرفته عدم تخلیه این محدوده بوده است. ظاهرا این استباط می‌شود که با استفاده از متریال‌های گرمازا مثل ترمیت، این ساختمان‌ها ازبخاطی ندارند. دور ستون‌های فولادی می‌ریزند و با دمای بسیار بالایی که تولید می‌کند تعدادی از ستون‌ها را می‌برند به این خاطر که هم ساختوساز ادامه پیدا نکند و هم اینکه تخریب راحت‌تر انجام شود. به همین خاطر هم ساختمان‌های تصفیه‌شده در اثر ضربه ساختمان‌های مجاور نمی‌توانند پابرجا بمانند. استباط من این است که ساختمان پنجم که ریزش می‌کند از قبل برای تخریب آماده‌سازی شده بود. چون تصفیف شده بود یا یک تکانی از ساختمان مجاور فروریزش می‌کند. در بارندها ستون‌های شکسته‌شده و تخریب‌شده و آماده‌شده برای تخریب دیده شده است. ترمیت روش غیرعلمی و منسوخی نیست اما الزاماتی دارد. در دنیا به روش‌های مختلفی یک ساختمان را تخریب می‌کنند. مثلا ساختمان‌هایی که اطرافشان خالی است با انفجارات کنترل‌شده ساختمان به درون خودش فروریزش می‌کند. در روش کشش، چون ساختمان را به یک سمت می‌کشیم ساختمان واژگون می‌شود. واژگونی ساختمان به ساختمان‌هایی که مجاور هم هستند ضربه می‌زند و با توجه به اینکه ساختمان‌ها کیفیت خوبی هم ندارند متاسفانه منجر به فروریزش ساختمان اخری می‌شود. گاهی ساختمان‌ها با استفاده از نیروی کاری تخریب می‌شوند که این روش کند است و از طرفی تجهیزات کافی برای تخریب متاسفانه نداریم و در چنین شرایطی رئالیجی است به این صورت که ساختمان مجاور هم باید تخریب شود. استفاده از روش کشنی اشکال ندارد اما به شرطی که کلا منطقه از اجتمع کرده باشیم». اتفاقی که در حادثه خلازیر رخ نداد. اما محمد آقامیری، رئیس کمیته عمرانی شورای شهر تهران، معتقد است که روش استفاده‌شده برای تخریب غیرعلمی نبوده است. او به نتیجه بررسی کارگروه تخصصی شورای شهر تهران از حادثه خلازیر اشاره کرد و گفت: دو جلسه درخصوص بررسی تخریب‌ها در خلازیر تشکیل شد. در جلسه دوم حضور اعضای جلسه خود تخریب بود و اینکه آیا این کار به صورت اصولی انجام شده است یا خیر؟ شرکتی که یمعاملکرار این تخریب بود از شرکت‌های رتبه یک و معتبر بود و اصول تخریب رعایت شده است. موضوع HSE و ایمنی بوده است. موضوعی که پیش‌بینی نمی‌شد این بود که ساختمان در حال تخریب به ساختمان کناری نشان وارد کند و این تنش به ساختمان آخر برسد و باعث تخریب آن شود که یک اتفاق نادر است.

آقامیری تاکید کرد: «این حادثه نشان می‌داد این ساختمان‌ها بسیار ضعیف بودند و درست است که پایه‌های آنها ضعیف شده بودند اما از نظر اصول ساختوساز هم بسیار ضعیف بوده و پیش‌بینی نمی‌شد که تنش به ساختمان‌های کناری منتقل شود و اینگونه رخ بدهد. این روش تخریب روش اجرایی است و در اینجا مشکلی وجود نداشت. بعد از این حادثه سایر ساختمان‌های که پایه‌های‌شان ضعیف شده بود نیز تخریب شدند و کرانش آن از سوی شهرداری منطقه ۱۹ به شورا ارسال شد». آقامیری درخصوص اینکه گفته می‌شود ساختمان‌های بتونی در تهران اینها فیبر مصرفی ساختمان شده‌اند هم توضیح داد: از ظاهر ساختمان نمی‌شود قضاوت کرد. فرضتی به برخی سازنده‌ها داده شده که ساختمان را به چهار طبقه برسانند و بعد طرح‌ها و... را به نظام مهندسی ارائه می‌کنند تا از نظر مقاومت در برابر زلزله مورد ارزیابی قرار گیرد؛ در صورت تنظیم سازمان نظام مهندسی مجوز به این ساختمان‌ها داده می‌شود اما تاکنون هیچ‌کدام از این ساختمان‌ها توانسته‌اند تایید سازمان نظام مهندسی را از نظر ایمنی کسب کنند.

علیرضا زاکانی شهردار تهران هم درخصوص انتقاد برخی مسئولان درخصوص اینکه حادثه خلازیر بر اثر عدم رعایت ضوابط تخریب صورت‌گرفته به رسانه‌ها گفته است: مجموعه‌ای که طبق قرارداد شهرداری برای تخریب بوده یک شرکت معتبر و درجه یک است و نوع تخریب نیز کاملا قانونی و منضبط و با شرایط خاص انجام شده که مبتنی بر دستورالعمل‌هایی است که برای تخریب تعریف شده است. بررسی فنی این حادثه در حال انجام است و برخورد و تخریب ساختوسازهای غیرمجاز هم ادامه دارد تا زمانی که این منطقه به ثبات و نظم برسد.

مدتی پیش علیرضا فخاری، استاندار تهران در واکنش به حادثه خلازیر گفته بود: همین ساختوسازهای غیرمجاز نیز در نهایت موجب بروز حادثه تلخ منجر به فوت پنج نفر در خلازیر شد. این ساختوسازها صورت نگرفته مگر با کوتاهی‌ها که در کنار آن صورت گرفته باشد. چنین‌چیزی از قانون دلیل عمده این ساختوساخت. بر همین اساس از فرد قضائیه خواسته‌ایم پرونده‌ای شکل گرفته و بی‌تردید مسببان این حادثه مواخذه خواهند شد. اگر در زمان مقرر اقدام درست انجام می‌شد امروز شاهد فوت پنج نفر نبودیم. این حادثه قابل بررسی است که قطعا به صورت ناشیانه بررسی می‌شود. توجیهی ندارد که برای تخریب یک ساختمان چهار ساختمان آن طرف‌تر هم تخریب شود. این نشان از بی‌تدبیری و عدم رعایت ضوابط تخریب است. سایر ساختمان‌ها نیز در این محدوده در معرض تخلیه قرار گرفته‌اند که باید رسیدگی دقیقی انجام شود. قطعا ابتدا بیشگیری اصل مهمی است و بعد از آن اقدام مؤثر و صحیح. نباید اجازه دهیم ساختوسازهای غیرمجاز به صورت قارچ‌گونه شکل بگیرد. شهرداری و سایر دستگاه‌های نظارتی باید پیشگیری در این حوزه را در دستور کار قرار دهند. مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، هم در واکنش به این سخنان اعلام کرده بود: استاندار تهران باید صحبت خود را نسبت به اینکه در حادثه خلازیر از سوی شهرداری منطقه چنین‌چیزی صورت گرفته اثبات کند و ما منتظرییم نتایج بررسی‌های کارشناسی چیست. مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه، درباره اقدامات قوه قضائیه در همین رابطه گفته بود: «در حادثه خلازیر شهر تهران، در محله خلازیر و محلات مجاور آن بیش از ۱۳۰ کوره آجرپزی وجود دارد که همگی خاموش است. اما در کنار آنها زمینه‌ای مناسب فراهم شده است که زندگی حاشیه‌نشینان شهری و حتی معتادان متجاهر و دو